

پیشنهادات سیاست کیفری در مورد اطفال و نوجوانان

دکتر علی نجفی توانا

۱- بازنگری سیاست کیفری

سیاست کیفری فعلی در مورد بزهکاری کودکان و نوجوانان از ابعاد مختلف هماهنگ با پدیده بزهکاری نیست زیرا:

اولاً تشریفات رسیدگی تابع مقررات عمومی است. ثانیاً: مرجع رسیدگی همان مرجع عمومی است. ثالثاً: قاضی دادگاه از قضات عادی دادگستری تعیین می‌گردد. رابعاً: فضای حاکم بر سیاست کیفری حول محور کیفرگرایی است. خامساً: مؤسسات مناسب پیش بینی نشده است. سادساً: مجازات جرایم بزرگسالان بر اطفال حاکم است. خروج از این شرایط ممکن نخواهد بود مگر آنکه راه حل‌های متفاوتی اتخاذ گردد.

الف- جرم زدایی: بسیاری از اعمال کودکان و نوجوانان مانند ولگردی، تکدی‌گری و اعتیاد جرم تلقی نگردد تا الزاماً ضوابط عمومی و برجسب جزایی مورد استفاده قرار نگیرد و برای کودکان خردسال و نابالغ، سرقت‌های اتفاقی، ضرب و جرح‌های ناشی از بازیهای کودکان و اتفاقی بجای استفاده از مقررات عمومی، از ضوابط ویژه غیر کیفری استفاده گردد.

ب- قضا زدایی: با تشکیل مراجع تخصصی اداری از اعزام اطفال مرتکب جرایم اتفاقی، کم‌اهمیت و همچنین کودکان و نوجوانان و جوانانی که به علت مشکلات روحی و روانی مرتکب جرم شده‌اند به مراجع قضایی خودداری گردد. در مراجع اداری و تخصصی اطفال براساس داده‌های مضبوط در پرونده شخصیت، تصمیماتی مانند سپردن به والدین، تحویل به مؤسسات خصوصی یا امکان دولتی، آسایشگاههای تخصصی برای معالجات روانی و روحی، مراقبت‌های مستمر توسط مراقبان متخصص اجتماعی، روانی اتخاذ گردد. بدین منظور می‌توان از مؤسسات اداری رسیدگی کننده به جرایم اطفال متشکل از نماینده دادگاه اطفال (دادگستری)، نماینده کانون اصلاح و تربیت، نماینده وزارت بهداشت و درمان، نماینده اداره بهزیستی، نماینده شهرداری، نماینده شورای والدین و شهر و متخصص امور اجتماعی و روانشناس تشکیل گردد.

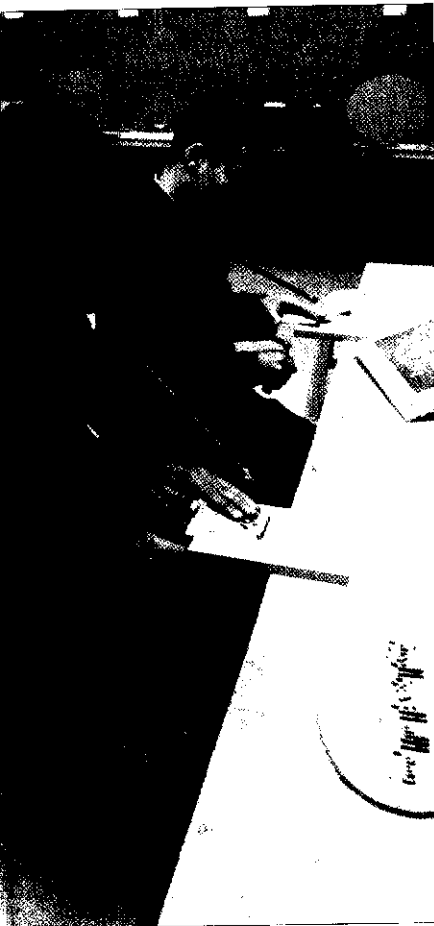
ج- تخصصی کردن مرجع کیفری: تأسیس دادگاه اطفال براساس قانون سال ۱۳۳۸ و انجام اصلاحات لازم با توجه به تجارب ناشی از اجرای آن قانون و پیشینه سایر ممالک و قوانین بین‌المللی در مورد حقوق کودک از مبرم‌ترین اقدامات در شرایط فعلی

است. انجام این امر نه تنها مشکل نیست بلکه با تغییر مقررات فعلی و توسعه امکانات، و به تدریج در چند مرحله امکان پذیر خواهد بود. خوشبختانه اخیراً بحث احیاء دادگاه اطفال در سطح بالای مدیریت قوه قضائیه مطرح که می‌تواند نوید بخش رویکرد واقع‌گرایانه و علمی در سیاست کیفری اطفال باشد.

د- تشکیل پلیس اطفال: ایجاد واحدهای پلیس اطفال و نوجوانان، متشکل از نیروهای پلیس علاقمند و صاحب صلاحیت و زنان با گذراندن دوره‌های کوتاه مدت و بلند مدت به منظور ارتقاء دانش و بینش تخصصی، بهترین عامل برای احتراز از بروز اثرات منفی برخورد اولیه پلیس بر کودکان و نوجوانان خواهد بود.

هـ- تشکیل پرونده شخصیت: ایجاد مراکز ویژه مطالعه و تحقیق شرایط فردی، اجتماعی کودکان و نوجوانان بزهکار و یا در معرض خطر و نیازمند از دیگر اقدامات ضروری است. این مرکز می‌تواند زیر نظر مدیریت منسجم که متشکل از نماینده شهرداری، دادگستری، پلیس باشد اداره گردد. بدیهی است محل چنین موسسه‌ای باید ظرفیت پذیرش کودکان و نوجوانان را با امکان جداسازی براساس جنسیت، سن و نوع جرم داشته باشد. این مرکز بایستی دارای بخشهای مختلف روان‌شناسی، روان‌پزشکی، روانکاری، مددکاری اجتماعی باشد. کودک در مدت اقامت موضوع مطالعات مختلف قرار گرفته و در نهایت شورای مدیریت حسب مورد کودک را به خانواده، مرجع اداری و یا قضایی جهت تعیین تکلیف اعزام نماید.

و- تصویب قانون حمایتی: کشور ما از حیث اقدامات و ضوابط مربوط به حمایت کودکان در معرض خطر جسمی و معنوی، بسیار عقب‌تر از بیشتر ممالک جهان است. برخی از کشورهای از حدود نیم یا یک قرن گذشته با تصویب مقرراتی از اطفال که به علت ناتوانی والدین، خشونت و تندروی آنان، فساد اخلاقی یا فقدان والدین و سرپرست در معرض خطر قرار دارند حمایت نموده و یا با پیش‌بینی اقداماتی مانند سلب صلاحیت سرپرستی والدین، اطفال را به مراکز خصوصی و یا عمومی که بدین منظور تأسیس شده است، اعزام نموده و یا آنان را به خانواده‌های دارای قابلیت و صلاحیت و علاقمند می‌سپارند. اطفالی که والدین خود را به



علت فوت از دست داده‌اند و یا والدین به علت طلاق و جدایی امکان نگهداری اطفال خود را ندارند و یا کودکانی که از منازل خود فرار کرده‌اند و یا اطفالی که به کارهای اجباری و شاق وادار می‌شوند و یا والدین آنها دچار اعتیاد بوده و یا دارای فساد اخلاقی قبلی می‌باشند، می‌توانند تحت حمایت قرار گیرند. در ضمن به منظور جلوگیری از اعمال خشونت به ویژه تنبیهات بدنی غیر متعارف این قانون می‌تواند حسب مورد مجازاتهایی برای والدین از جمله جریمه نقدی، کار در مراکز نگهداری کودکان و نوجوانان، آموزش در مراکز روانشناسی و غیره در نظر گرفته شود. تصویب قانون جدید حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب بهمن ماه ۱۳۸۱ هر چند بخشی از نیازهای تقنینی در این زمینه را برطرف می‌سازد ولی با توجه به توضیحاتی که قبلاً بیان گردید، قانون مذکور به علت مستثنی نمودن والدین از تعقیب و مجازات فاقد رسالت مورد انتظار بوده و کماکان خلاء قانونی در این زمینه ملموس و محسوس است. گذشته از آن برخلاف قوانین بسیاری از کشورهای ایجاد مؤسسات خصوصی و دولتی، جانشین کانون‌های خانوادگی فاقد شرایط و نامناسب، در این قانون و سایر قوانین حمایتی بطور روشن پیش‌بینی نشده است.

ز- بازنگری در سن بلوغ: با توجه به مؤلفه‌های پزشکی و روانشناسی و مشکلات ناشی از تعیین سن

و یا دولتی مخصوص اطفال و نوجوانان غیر بزهکار و یا مراکز درمان معرفی نمود.

بدیهی است برای کنترل روند جامعه پذیری و یا نظارت بر تربیت، آموزش و پرورش و بهسازی این اطفال بایستی بخشی از نظام قضایی مانند اداره سرپرستی و یا دادگاه اطفال و یا بخش اجرایی مانند اداره بهزیستی و شهرداری سازماندهی و فعال شوند. چگونگی آماده سازی این کودکان برای ورود به جامعه و اشتغال آنان نیز مستلزم همکاری و هماهنگی بخش خصوصی و دولتی می باشد.

۴. ایجاد پلیس پیشگیری و حمایت:

وجود نیروهای انتظامی در ملاءعام یکی از ابزار مؤثر است ولی با توجه به اتفاقی بودن جرایم اطفال، اصلح این است که واحدهای پیشگیری از جرم برای بزرگسالان و کودکان و نوجوانان متفاوت باشد. زیرا پلیس پیشگیری برای بزرگسالان جنبه اراعی و انصرافی دارد ولی در خصوص صغار بعد حمایتی و تربیتی نیز مد نظر و توجه می باشد لذا واحدهای پلیس مخصوص پیشگیری از وقوع جرم اطفال باید گذشته از تحصیلات و آموزشهای لازم، بایستی دوره های کوتاه و بلند مدت آموزشهای مرتبط در رشته های جامعه شناسی، روانشناسی، جرم شناسی را طی نموده و تعلیمات لازم برای حمایت از کودکان نیازمند به مساعدت مادی و معنوی و چگونگی ارتباط با دادگاه اطفال و یا مراکز ذی ربط را از مراکز آموزشی پلیس و یا دانشگاهها، در سطح افسران گذرانده باشند.

امتیازات مرتب بر تشکیل چنین واحد هایی نه تنها می تواند از جمعیت کیفری کشور بکاهد بلکه در مقام مقایسه هزینه بسیار کمتری را در درازمدت به جامعه تحمیل خواهد نمود. به عبارت دیگر در مقایسه با هزینه بزهکاری ناشی از جرایم ارتكابی، صرف هزینه برای ایجاد واحدهای

در مقایسه با هزینه بزهکاری ناشی از جرایم ارتكابی صرف هزینه برای ایجاد واحدهای پیشگیری ناچیز خواهد بود

پیشگیری ناچیز خواهد بود. نگارنده امیدوار است که نوشتار حاضر گامی کوچک در جهت اعتلای فرهنگ حقوقی و قضایی کشور، بویژه در رژیم حقوقی کودکان، این غنچه های ناشکفته کشور باشد. کودکانی که مردان و زنان آینده مملکت و گردانندگان چرخهای آن خواهند بود. فراموش نکنیم، اصلاح یک جامعه جز با تربیت کودکان آن ممکن نخواهد بود. در تدوین و تنظیم مطالب کتاب از بسیاری منابع موجود داخلی و خارجی، اسناد و مقررات بین المللی، قوانین و نظامهای کیفری ممالک دیگر، نوشتار اندیشمندان کشور، رساله نگارنده در مورد بزهکاری اطفال و نوجوانان در ایران و فرانسه، تجارب حاصله از دو دهه تدریس در دانشگاهها و مراکز آموزشی کشور و خلاصه هر منبعی که امکان دسترسی به آن وجود داشته استفاده شده است.

اینگونه جایگزین ها خواهد بود. تمسک به تدابیر جایگزین قطع نظر از همگامی و ضروریات جدی توفیق اینگونه جایگزین ها خواهد بود. تمسک به تدابیر جایگزین قطع نظر از همگامی و همراهی با جنبش جهانی و اجرای مفاد پیمان نامه حقوق کودک که ایران نیز به عضویت آن درآمده است. بهترین روش در اعمال سیاست کیفرزدایی و اراعی خواهد بود. روشی که امروزه حتی برای بزهکاران بزرگسال نیز تجویز گردیده و نتایج مثبتی نیز به همراه داشته است.

۴. مراقبت بعد از خروج:

همانطوری که قبلاً نیز در مورد ضرورت پیش بینی تدابیری در این خصوص توضیح داده شد، رها کردن کودک به حال خود آنهم در دوره نقاهت بعد از نگهداری در مراکز اصلاحی و یا زندان اثر همه اقدامات اصلاحی را در معرض خطر نابودی قرار می دهد. لذا اصلح این است که:

اولاً: بطور مشخص مقررات بعد از خروج با قید اقدامات قانونمند شود.

ثانیاً: ابزار و وسایل اداری و مالی، پرسنلی و تخصصی آن نیز به فوریت تهیه و در اختیار مبادی مربوط قرار داده شود. در غیر این صورت اطفال به محض مراجعه به محیط سابق با توجه به تجارب مجرمانه تحصیلی در مدت توقیف و یا نگهداری شانس زیادی برای انطباق با ارزشهای محیط نداشته و امکان تکرار جرم از ناحیه آنان بسیار زیاد خواهد بود.

۵. ایجاد و توسعه مراکز اصلاحی و تربیتی: تشویق بخش خصوصی برای ایجاد مؤسسات اصلاحی و تربیتی و نگهداری با اعطاء وامهای بدون بهره، حمایت از مراکز موجود دولتی، توسعه مراکز عمومی، می تواند موجب شود که:

اولاً: دادگاه اطفال در مواردی که کودکان و نوجوانان مرتکب جرم، فاقد پدر و یا مادر بوده و یا اصولاً آنان صلاحیت نگهداری فرزندان خود را نداشته باشد، به جای اعزام به مراکز اصلاح و تربیت،

اطفال به مؤسسات خصوصی که عمدتاً جنبه تربیتی دارند تا تنبیهی سپرده شوند و بدین ترتیب از تجمع اطفال که از لحاظ سنی، نوع جرم، اهمیت جرم، سوابق کیفری چندان با یکدیگر سنخیت ندارند در یک مکان احتراز نمود.

ثانیاً: کودکان و نوجوانانی که متهم به ارتكاب بزه نیستند ولی به علت فقدان سرپرست و یا ناتوانی سرپرستان و یا به علت قرار داشته در معرض خطر جسمی و روحی و روانی و یا در مورد صغار بی خانمان و فراری، بیماران روانی، مصدومان، عقب افتادگان ذهنی که رها نمودن آنان به حال خود به نفع جامعه و آینده آنها نمی باشد: به مؤسسات خصوصی

بلوغ جسمی به عنوان نصب مسئولیت کیفری و اینکه از لحاظ علمی و عرفی چنین اقدامی مخاطره آمیز و با توجه به جوان بودن جامعه منطقی بنظر نمی رسد. بهتر است به دلائلی که قبلاً ارائه شد سن مسئولیت، بلوغ شرعی، یعنی سنی که تعادل بین عقل و احساس برقرار می شود، تعیین گردد و چنانکه گفته شد بر اساس مطالعات پزشکی و روان شناسی حداقل سن مسئولیت باید سن ۱۶ الی ۱۸ سال تعیین گردد.

۲. پیش بینی تدابیر با مدت نامعین

هر چند این تأسیس کیفر مورد انتقاد بسیاری از حقوقدانان قرار گرفته است و بسیاری با تکیه بر خطراتی که این تدابیر می تواند برای آزادی فردی داشته باشد با آن به مخالفت برخاسته اند. مع الوصف همانطوری که برای بسیاری از بیماران، نمی توان زمان مشخصی برای معالجه و بهبود بیماری تعیین نمود، در خصوص برخی از بزهکاران که مبتلی به حالات خطرناک، شخصیت بزهکار یا مشکلات روحی و روانی خاص می باشند، پیش بینی زمان اصلاح و درمان ممکن نمی باشد. لذا برای مساعدت به این اشخاص و حفظ جامعه از آسیب های احتمالی آنان، بهتر است با جلب نظر متخصصین در صورتی که اطفال دارای چنین حالاتی باشند، مرجع ذیصلاح به دو صورت اعمال تدابیر غیرمعین و یا معین قابل تمدید تا حصول بهبودی، امکان تصمیم گیری و تجدیدنظر داشته باشند.

۳. تعیین مجازات جایگزین (کیفرزدایی):

هر چند بزم نگارنده، از بین بردن مجازاتها و تعیین سبلیک کیفرهای جایگزین تا زمانی که جامعه به تعادل اقتصادی، فرهنگی و سیاسی نرسیده و عدالت اقتصادی و سیاسی حاکم نشود، نه تنها مؤثر نبوده، بلکه مضر و مخل امنیت فردی و اجتماعی و در واقع تضعیف حصار امنیتی جامعه خواهد بود. مع الوصف با توجه به اثرات منفی کیفر بر اطفال و نوجوانان، به ویژه بالحفاظ اتفاق بودن جرایم آنان، تغییر الگوی تدابیر کیفری به شدت مورد حمایت و ضروری است. به عبارت دیگر بجای صرف هزینه برای نگهداری و یا زندانی نمودن این اطفال می توان از روش هایی استفاده کرد که روح منعطف و قابل اصلاح کودک را نظم پذیر نماید. بنابراین تدابیر جایگزین مجازات که بایستی با لحاظ شرایط جنسی، سنی، خانوادگی، روحی، روانی، جسمی، ذهنی، حرفه ای، تحصیلی، فرهنگی طفل، متنوع و مختلف باشد می تواند شامل، توقیف در خانه، محرومیت از مسافرت، کار درخانه یا در مدرسه، انجام کارهای عام المنفعه در بخشهای کشاورزی، صنعتی، یا الزام به تحصیل و... گردد.

بدیهی است مراقبت و نظارت در طول اجرای تدابیر و بررسی گزارش های تنظیمی توسط نهادهای قضایی و یا اداری از لوازم و نظارت در طول اجرای تدابیر و بررسی گزارش های تنظیمی توسط نهادهای قضایی و یا اداری از لوازم و ضروریات جدی توفیق